

Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

جلسه سی و سوم

تکیه بر عقل، دلیل و استدلال ۲

Confidence in Reason 2

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و همچنین با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه ها آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه و زدودن خرافات از ذهن ها باشیم.

بدون شک، تفکر صحیح و بدون دور از جزم اندیشی نیازمند آموزش است و معمولاً به شکل طبیعی در کسی شکل نمیگیرد. با بهره گیری از اصول تفکر منطقی و منصفانه می توان باورهای منطقی و مستدل داشت، تصمیم های با کیفیت تری گرفت، در پیدا کردن راه حل برای مشکلات موفق تر عمل کرد، احساسات و عواطف خود را بهتر به کنترل خود در آورد، و در کنار اینها از قابلیت تفکر در آموزش و یادگیری بهره برد و کیفیت یادگیری را بالاتر برد. از این رو مهارت درست فکر کردن در مجامع دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته و اصول تفکر صحیح به شکلی آکادمیک طراحی میشود تا به افراد جامعه کمک کند تا تصمیم های منطقی تری بگیرند و در حل مشکلات و مسائل با تیزبینی عمل کنند. امیدواریم این برنامه ها مورد توجه شما عزیزان قرار گیرد.

تکیه بر عقل، دلیل و استدلال confidence in reason

جلسه گذشته به بحث پیرامون یکی از خصلت های فکری مهم یعنی اتکا به دلیل و استدلال پرداختیم یادآور شدیم که انسان ذاتاً گرایش به خود برتری بینی و ما برتر بینی دارد و باورها و نظرات خود و گروه خود را بر دیگر نظرات ترجیح میدهد و برتر میداند. همچنین به دو گروه که با عقلانیت و استدلال مخالفت می ورزند اشاره کردیم. اهل شریعت که عقل را ناقص دانسته و بشر را محتاج وحی می دانند و اهل طریقت که عقل و استدلال را دست و پا گیر و قاصر از درک حقیقت هستی می دانند. رهیافت عرفانی اهل

طریقت، خالق هستی را حبیب خود میداند و میخواهد با او رابطه عاشقانه برقرار کند. این رهیافت روش مبتنی بر معرفت قلبی را ترجیح میدهد و بین عقل جزئی عیب آلوده و عقل کل که نسبتی با عشق دارد تمایز اساسی قائل میشود. این رهیافت علاوه بر اینکه رهیافت عقلی برای درک حقیقت هستی را نمی‌پسندد، رویکرد فقهی اهل شریعت را هم نارسا میداند و گاهی به شدت به سطحی نگری و ریاکاری واعظان بی عمل و شیخ‌های سطحی نگر می‌تازد. عارفان بر این باورند که خودشان درک باطنی از دین دارند و واعظان فهم ظاهری. به باور اهل طریقت، عقل به معنای چیزی که نقطه تمایز انسان از حیوان است، قلمروی بسیار محدود دارد که نمی‌تواند تجربیاتی همچون عشق را درک کند. در واقع گریز از جسمانیت و گریز از مادی‌گرایی با عقل مصلحت‌اندیش میسر نیست. از اینرو کسانی که رویکردی عرفانی دارند عقل مصلحت‌اندیش را ملامت میکنند. آنها با عقل ورزی، آنهم برای درک حقیقت هستی مخالفند. رهیافت عقلی میخواهد با عقل و استدلال به درک حقیقت هستی نائل شود. عقل‌گرایان اگر به وجود خدا هم باور داشته باشند در صدد بر می‌آیند تا آن را با روش‌های عقلی و استدلالی اثبات کنند. فیلسوف در زندگی، التزام نظری و عملی به عقل ورزی دارد

در تفکر نقادانه، اعتماد به عقل و استدلال یک اصل مهم است و بهترین راهکار ممکن جایی که اختلاف نظر پیش می‌آید، این است که معیار سنجش هر نظر و عقیده‌ای را دلایل و شواهدی که آن فکر را پشتیبانی میکند، بدانیم.

تفکر نقادانه راهنمای تصمیم‌گیری در زندگی روزمره است و در زندگی روزمره باید با دلیل و برهان حرکت کرد. تفکر نقادانه در صدد است تا با ایجاد تحول فکری در افراد جامعه، این امکان را فراهم سازد تا تک‌تک افراد جامعه بتوانند همانطور که خواندن و نوشتن یاد می‌گیرند، در زمینه درست فکر کردن هم با سواد شوند.

آموزه‌های تفکر نقادانه به ما کمک میکند تا یاد بگیریم چگونه درباره موضوعی، موضعی خاص بگیریم و با دلایل منطقی از آن دفاع کنیم. در تفکر نقادانه توصیه می‌شود، بیش از آنکه به موضع افراد نگاه کنید، ابتدا به دلایلی که اقامه می‌کنند توجه کنید.

متفکر نقاد به اهمیت و جایگاه عقل و خردورزی آگاه است و هیچ نظری را بدون دلیل و برهان قبول نمی‌کند. طبیعی است که در تفکر نقادانه سنگ محک عقل باشد و دلیل آوردن. متفکر نقاد فقط با ادله منطقی پیش میرود و باور دارد که باید برای هر تصمیم، راه حل و هر باوری به اندازه کافی ادله روشن و منطقی وجود داشته باشد. در تفکر نقادانه هر کس که ادله و شواهد قوی تری دارد نظرش مطاع است.

متفکر نقاد اصالت را به خرد و عقل میدهد و ملاک او حجت آوردن است. مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که افراد معمولاً در طول زندگی خود مجبور می شوند باورهایی را به شکل غیر نقادانه و بدون دلیل قبول کنند.

در جامعه ای که حکمران بر اساس میل خود و بدون توجیه منطقی تصمیم های خود، سیاستگذاری و حکمرانی میکند، در اداره ای که رییس بدون اینکه لازم بداند دلیلی برای تصمیم خود ارائه کند، به پشتوانه سمتی که دارد نظر خود را دیکته میکند. در ادیاتی که از مردم خواسته میشود بدون دلیل، باورهایی را بپذیرند و مناسبی را انجام دهند. در کلاس درسی که معلم مانند یک دیکتاتور نیازی به توضیح و دلیل آوردن نمی بیند و تصمیمات خود را به شاگردان تحمیل میکند. در خانواده ای که پدر یا مادر تصمیم میگیرند و از فرزندان میخواهند بدون دلیل تصمیم را بپذیرند، این خصلت تفکر نقادانه یعنی عادت به دلیل آوردن ضعیف میشود. میتوان گفت ما در دنیایی زندگی میکنیم که هر روز با انبوهی از نظرات، تصمیمات و قوانین مواجه هستیم که باید بی دلیل آنها را بپذیریم. این شرایط کمک میکند تا تفکر، استدلال و عقل ورزی در جامعه ضعیف بماند.

این مسئله یعنی بدون تکیه بر عقل و استدلال چیزی را قبول کردن یا انجام دادن از مسائل کوچک در زندگی روزمره شروع میشود و تا مسائل کلان نظیر باور به خدا ادامه پیدا میکند. همواره نهاد ها و نحله هایی وجود داشته و دارند که جایگاه عقل و خردورزی را پایین بیاورند و از انسانها بخواهند اموری را بی چون و چرا تمکین کنند. به عنوان معلم ما باید اعتماد به قدرت فکر و ارائه دلیل را در شاگردان خود ایجاد کنیم و هر بار کمکشان کنیم تا با بهره گیری از فکر و عقلشان یک مسئله را حل کنند تا با این کار، در ضمیرشان اعتماد به قدرت فکر بیشتر شود. در محیط خانه والدین بجای استفاده از قدرت خود سعی کنند به فرزندان نشان دهند که فلان تصمیم چه دلایل موجهی را پشت خود دارد. گاهی در این باره که در فلان خانواده چه کسی حرف آخر را می زند صحبت از مردسالاری یا زن سالاری یا فرزند سالاری به میان می آید. چه خوب است بگوییم دلیل سالاری.

مثلاً می خواهیم به سفر برویم همه نظر بدهند مقصد کجا باشد بهتر است و دلیل های خودشان را بیاورند. هر کس دلایل بهتری داشت نظرش متاع باشد. البته قبل از تصمیم گیری باید یادآور شویم که هیچکس هویت خود را با نظر و تصمیم خود گره نزند، چون در غیر این صورت اگر به نظرش عمل نشود قهر میکنند و با ما سفر نمی آید.

تمرین عملی ما میتواند این باشد که دلیل و برهان خواستن را در تمام امور زندگی خود دنبال کنیم. در مورد اینکه چه کادویی برای فلانی بخریم یا تعطیلات کجا برویم از همه بخواهیم که در تصمیم گیری شرکت کنند و نظرشان را با دلیل بیان کنند تا افراد یاد بگیرند چگونه باید با دلیل موجه طرف مقابل را قانع کرد، تا استبداد رای و دیکتاتوری کم کم در جامعه کمرنگ شود.

در تفکر نقادانه ما دیگران را تشویق می‌کنیم تا با استدلال خود به نتیجه‌گیری برسند تا این خصلت و قابلیت در آنها رشد کند. استدلال و نتیجه‌گیری باید در زندگی پیوسته تمرین شود. به کودکان خود یاد دهیم با دلیل آوردن خواسته خود را مطرح کنند نه با تمسک به گریه و شیون و مبنای قبول یا رد نظر یا خواسته‌ای دلایل و نحوه استدلال آن باشد.

توجه داشته باشیم طبیعت بشر، او را به سمت برآورده کردن نیازها و امیال سوق می‌دهد، حتی اگر خواسته‌های او موجه و منطقی نباشد. در این زمینه هم موانع سرشتی و ذاتی وجود دارد، هم موانع محیطی و اجتماعی.

عدم اطمینان به عقل و استدلال (intellectual distrust in reasoning) همواره سد راه عقل‌ورزی بوده است. برخی باورهای مذهبی و رویکردهای عرفانی به جایگاه و منزلت عقل و خردورزی آنطور که شایسته است، توجه نکرده‌اند. کسانی که رهیافت عرفانی را در درک حقیقت هستی دنبال می‌کنند، مکاشفه و کشف و شهود را بر عقل و استدلال ترجیح می‌دهند.